

بررسی اثربخشی برنامه زندان مرکزی سندج در کاهش گرایش زندانیان به تکرار جرم

مهران سهرابزاده،* محسن نیازی،** محمدصدیق محمدی،*** حسن بابایی****

چکیده

یکی از شیوه‌های پیش‌گیری از جرم، پیش‌گیری از تکرار جرم است که به وسیله اجرای برنامه‌های مختلف در زندان‌های کشور انجام می‌گیرد. در این برنامه‌ها تلاش می‌شود زندانیان در کنار تحمل حبس به منزله مجازات، تحت آموزش‌هایی قرار گیرند که گرایش آنان به تکرار جرم را کاهش دهد. از سوی دیگر، از مهم‌ترین شاخص‌های اثربخشی سیاست‌های کیفری، میزان تکرار جرم است. این پژوهش در پی پاسخ‌گفتن به این سؤال است که آیا برنامه‌های مرتبط با پیش‌گیری از تکرار جرم، که در زندان مرکزی سندج اجرا می‌شود، اثربخش است؟ برای پاسخ به این سؤال، دو گروه ۱۰۰ نفری آزمایش و کنترل (جمعاً ۲۰۰ نفر) از زندانیان به روش تصادفی نظام‌مند انتخاب شدند. برنامه آموزشی پیش‌گیری از جرم در طی دو ماه برای افراد گروه آزمایش به اجرا درآمد و نهایتاً پرسش‌نامه گرایش به تکرار جرم در میان هر دو گروه تکمیل شد و نتایج با هم مقایسه شد. براساس نتیجه آزمون تفاوت میانگین، گرایش به تکرار جرم در دو گروه آزمایش و کنترل با احتمال خطای کمتر از ۱ درصد معنی‌دار است؛ بنابراین، فرضیه پژوهش تأیید می‌شود. به عبارت دیگر، اجرای برنامه آموزشی پیش‌گیرانه در زندان مرکزی سندج اثربخش بوده است.

کلیدواژه‌ها: پیش‌گیری از جرم، گرایش به تکرار جرم، اثربخشی، زندان، سندج.

ms3102002@yahoo.com

* دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان

niazi.mohsen@yahoo.com

** استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان

*** دانشجوی دکتری دانشگاه کاشان و مدیر پیش‌گیری‌های فرهنگی و اجتماعی دادگستری کل استان کردستان
mmohamadyk@yahoo.com

**** دکتری حقوق و دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران و معاون اجتماعی و پیش‌گیری از وقوع جرم دادگستری کل استان کردستان
dr.hassan.babaei@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۹/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱/۲۵

مسائل اجتماعی ایران، سال هفتم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صص ۵۳-۷۲

مقدمه

بشر همواره کوشیده است به شیوه‌های گوناگون، نظم و امنیت اجتماع خود را حفظ و رعایت هنجارهای اجتماعی را تضمین کند. در جوامع اولیه، تخطی از هنجارها را با واکنش شدید و مجازات‌های سنگین سرکوب می‌کردند. با گذشت زمان، در جوامع مختلف به موازات وجوه تنبیهی و عقوبتی مجازات، اقدامات و تدابیر پیش‌گیرانه برای جلوگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی در دستور کار قرار گرفته است و علاوه بر رویکرد سنتی سرکوب و مجازات، که با شدت عمل و از طریق نظام عدالت کیفری پیگیری می‌شود، در دهه‌های اخیر توجه زیادی به مقوله پیش‌گیری از جرم معطوف شده است (محمدنسل، ۱۳۸۹: ۳۱۸). پیش‌گیری از نظر لغوی، جلوگیری کردن و پیش‌دستی کردن معنا شده است و از نظر علمی منظور از آن، هرگونه فعالیت سیاست جنایی است که هدف انحصاری یا جزئی آن، محدود ساختن امکان پیشامد مجموعه اعمال جنایی از راه ناممکن ساختن یا دشوار کردن یا کاهش احتمال وقوع آن است (گسن، ۱۳۷۰: ۱۳۳). به عبارت دیگر، پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از بین بردن یا کاهش آن، پیش‌گیری از جرم است (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۴).

پیش‌گیری از وقوع جرم از جمله دانش‌های میان‌رشته‌ای جوانی است که، از لحاظ نظری، از یک سو با جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی، حقوق و روان‌شناسی ارتباط دارند و از سوی دیگر، از خلال اقدامات اجرایی سازمان‌های مربوط به پیش‌گیری و کنترل جرم و انحرافات اجتماعی توسعه یافته است. در طی صدسال گذشته، کشورهای مختلف دنیا توجهاتی را به مسئله پیش‌گیری از جرم نشان داده‌اند و سازمان ملل نیز همایش‌های مختلفی را در این خصوص برگزار کرده است. در لایحه پیش‌گیری از جرم، سه گونه پیش‌گیری اجتماعی، قضایی و انتظامی مشخص شده بود که هرچند با تصویب آن به عنوان قانون، این تقسیم‌بندی حذف شد، روندهای اداری متناسب با آن همچنان فعال هستند (معاونت اجتماعی و پیش‌گیری از وقوع جرم قوه قضائیه، ۱۳۹۴). این تقسیم‌بندی ناهمگون که اولی براساس ماهیت اقدامات و دو نوع دیگر براساس کارکرد سازمان‌ها و نهادهای متولی در زمینه پیش‌گیری از جرم است، هر یک به نوعی با پیش‌گیری از جرم، مرتبطاند (صفاری، ۱۳۸۶: ۵۹). اما در معنای ویژه، یکی از شیوه‌های پیش‌گیری از جرم، پیش‌گیری از تکرار جرم است که به وسیله انجام برنامه‌های مختلف در زندان‌های کشور انجام می‌گیرد.

تکرار جرم حالت کسی است که پس از محکومیت قطعی در دادگاه صالح، مرتکب جرم دیگری شود (گارو، ۱۳۴۸: ۳۸۰). این حالت، علاوه بر آنکه نشانه ناتوانی و قصور بزه‌کار جهت بازاجتماعی شدن و انطباق با حیات عاری از جرم است، مبتن کاستی و ناتوانی نهادهای مجری

عدالت کیفری جهت بازسازی و بازپروری و نیز پیش‌گیری از جرم است. هرچند تحلیل‌های روان‌شناختی، ریشه‌های جرم زندانیان را در انواع جنون، اختلالات اضطرابی، افسردگی، اختلالات شخصیتی، به‌خصوص اختلال شخصیت ضد اجتماعی (سادوک و سادوک، ۲۰۰۰)، جست‌وجو می‌کنند و جرم و زندانی‌شدن را به شخصیت‌های ضد اجتماعی ارتباط می‌دهند که رفتارهایی ضدقانون و عرف جامعه نشان می‌دهند و غالباً دچار ضعف در عزت نفس هستند (الیس،^۱ ۱۹۷۱)، اندیشه‌توسل به پیش‌گیری اجتماعی از بزهکاری، شامل مجموعه اقدام‌های پیش‌گیرنده است که به دنبال حذف یا خنثی‌کردن آن دسته از عوامل اجتماعی و ساختاری است که در تدوین جرم مؤثر بوده‌اند (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۸: ۱۳۹).

پیش‌گیری اجتماعی مبتنی بر علت‌شناسی جرم است و مستلزم قبول این واقعیت است که عوامل مختلفی در تکوین جرم نقش دارند. در این نوع پیش‌گیری، به علل بنیادی وقوع جرم توجه بسیار می‌شود و این عقیده وجود دارد که جرایم در اثر نارسایی‌های اجتماعی به وقوع می‌پیوندند (نجفی توانا و شاطری‌پور اصفهانی، ۱۳۹۱: ۵۶-۶۷). به‌طور کلی، می‌توان گفت که در این نوع پیش‌گیری، با رویکرد کلان، به عوامل بروز بزهکاری از قبیل فقر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی توجه می‌شود و با توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی در جامعه از بزهکاری جلوگیری می‌شود؛ مثلاً در این دیدگاه ناهنجاری‌های خانوادگی، بزهکاری اعضای خانواده، اعتیاد و طلاق از جمله عواملی هستند که تأثیر به‌سزایی در افزایش بزهکاری افراد دارند (زینالی، ۱۳۸۱: ۱۰۳).

در حقوق کیفری ایران به موضوع پیش‌گیری از تکرار جرم توجه خاصی شده است. قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب سال ۱۳۳۹ ه.ش. هدف خود را پیش‌گیری از تکرار جرم اعلام کرده بود. در اصل ۱۵۶ قانون اساسی، یکی از وظایف قوه قضائیه پیش‌گیری از جرم و اصلاح و بازپروری مجرمان اعلام شده است. علاوه‌برآن، قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی-اجتماعی، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی را مکلف به اتخاذ تدابیر مناسب جهت جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم و اصلاح مجرمان کرده است. قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی-اجتماعی نیز در جهت تکمیل سیاست‌های قانون توسعه چهارم مقررات مفصلی وضع کرده است (شاملو و موسی‌زاده، ۱۳۸۹: ۹).

ازسوی دیگر، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اثربخشی سیاست‌های کیفری، میزان تکرار جرم است. هرچه تکرار جرم کاهش یابد برنامه اثربخش‌تر بوده است (قاسمی‌مقدم، ۱۳۸۷: ۱۳۲).

¹ Ellis

گاه با اجرای مجازات و برنامه‌های اصلاحی و درمانی مشکل مجرم حل شده و آسیب رفع می‌گردد و به دنبال رفع مشکل، دیگر مرتکب جرم نمی‌شود. در بازدارندگی فردی خاصیت اول مد نظر است؛ یعنی مجازات طوری باشد که فرد متنبه شود. در بازدارندگی خاص، معیار کاهش تکرار جرم است و هدف، پیش‌گیری از تکرار جرم و اصلاح مجرم است. در اینجا، هدف پیش‌گیری از بزهکاری مکرر بوده و اصلاح مجرمین مدنظر است (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۰: ۳۰).

بارزترین بازوی سیاست کیفری ایران زندان است، اما مطالعات و تحقیقات نشان داده است که خود زندان برای بسیاری از زندانیان، به دلیل تجربیات منفی که از محیط زندان کسب می‌کنند، بسیار مخرب و ناامیدکننده است. کافی نبودن اقدامات اصلاحی و بازپروری زندانیان به معنای آن است که آنها هنگام ترک زندان، در مقایسه با زمان ورودشان، آمادگی بیشتری برای ارتکاب مجدد جرم دارند (حاتمی خواجه، ۱۳۸۶: ۹۵). زندان اگرچه توانسته است به صورت موقت مجرمان را کنترل کند، تبعات و آسیب‌هایی که خانواده‌های زندانیان متحمل می‌شوند درخور توجه است (جعفری و نیکپور، ۱۳۸۶: ۷۴). بارها اعلام شده که در عمل، زندان به مدرسه آموزش جرم تبدیل شده است (آشوری، ۱۳۸۲: ۴۵).

هرچند آمار دقیقی از میزان تکرار جرم یا بازگشت مجدد به زندان در دسترس نیست، برخی شواهد از میزان بالای تکرار جرم حکایت دارند. براساس گزارشی، این میزان در سال ۱۳۸۸، برای کل کشور ۳۵ درصد بوده است (معظمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۰). رئیس سازمان زندان‌های کشور، در سال ۱۳۹۴، به میزان ۴۶ درصدی تکرار جرم در زندان‌های کشور اشاره کرده است (خبرگزاری جوان، ۱۳۹۴). گفته شده است که اکثر افرادی که یکبار زندانی می‌شوند، در بازگشت به جامعه با مشکل مواجه می‌شوند و مجدداً با ارتکاب جرم، به زندان بازمی‌گردند (قلخانبار و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸۶)، تا حدی که از تعبیر مسافران دائمی زندان برای زندانیان استفاده شده است.

با توجه به تحقیقات زیادی که به ناکارآمدی زندان‌ها در کاهش جرم اشاره داشتند (بهروان و بهروان، ۱۳۹۰: ۳۵؛ کریمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۰) و تأثیر زندان را در جهت تقویت نظام کنترل درونی و به‌ویژه جلوگیری از روی آوردن دوباره فرد به کج‌روی بسیار اندک ارزیابی کرده‌اند (صدیق‌اورعی، ۱۳۷۴: ۲۰-۲۱)، برنامه‌های مرتبط با بازاجتماعی کردن مجرمان و پیش‌گیری از تکرار جرم در زندان‌های کشور به اجرا درآمد. اکنون که توجه به نتایج این تحقیقات سبب گسترش دیدگاه توجه به بازاجتماعی کردن مجرمان در زندان و پیش‌گیری از تکرار جرم به دست آنها شده است و برنامه‌های مرتبط با این امر در زندان‌های کشور در حال اجراست، ضروری است اثربخشی این برنامه‌ها ارزیابی شود تا مشخص گردد آیا اجرای آنها واقعاً

بررسی اثربخشی برنامه زندان مرکزی سنندج در کاهش گرایش زندانیان به تکرار جرم

کمکی به بهبود سیاست‌های کیفری کرده است و آیا اصولاً توانسته است زندان را به‌جای دانشگاه جرم، به جایگاه اصلاح و تربیت مجرمین تبدیل کند؟

زندان مرکزی سنندج از جمله زندان‌هایی است که برنامه‌های پیش‌گیری از تکرار جرم را به‌صورت گسترده اجرایی کرده و آمارهایی را در زمینه کارایی و اثربخشی این برنامه‌ها اعلام کرده است. هدف تحقیق حاضر، ارزیابی علمی اثربخشی برنامه‌های پیش‌گیری از تکرار جرم در زندان مرکزی سنندج است. بدین ترتیب، این پژوهش در پی پاسخ‌گفتن به این سؤال است که آیا برنامه‌های مرتبط با پیش‌گیری از گرایش به تکرار جرم که در زندان مرکزی سنندج اجرا می‌شود اثربخش است؟ به عبارت دیگر، آیا برنامه‌های پیش‌گیری از جرم زندان مرکزی سنندج باعث کاهش گرایش به تکرار جرم در میان زندانیان می‌شود؟

پیشینه نظری

در این بخش از مقاله، پیشینه مفهومی و نظری موضوع پژوهش به‌صورت مختصر مرور می‌شود. بدین‌منظور، ابتدا پیشینه مفهومی مرتبط با تکرار جرم و پس از آن، ادبیات مفهومی و نظری مرتبط با تأثیر آموزش بر کاهش تکرار جرم را مرور می‌کنیم.

تکرار جرم

مفهوم جرم با کج‌روی متفاوت است؛ چراکه کج‌روی را می‌توان «ناهم‌نوایی با هنجار یا مجموعه هنجارهای معینی تعریف کرد که توسط تعداد قابل ملاحظه‌ای از مردم در اجتماع یا جامعه‌ای پذیرفته شده است» (گیدنز، ۱۳۸۱: ۱۴۹). درواقع، رفتار انحرافی، رفتاری است که به‌طریقی با انتظارات رفتاری مشترک گروهی خاص سازگاری ندارد و دیگر اعضای جامعه آن را ناپسند یا نادرست می‌دانند (ستوده، ۱۳۸۰: ۳۰)، در صورتی که ارتکاب جرم چیزی جز نقض قانون نیست؛ به عبارت دیگر، «جرم زیرپا گذاشتن قوانین اجتماعی رفتاری است که افرادی که قدرت سیاسی و اجتماعی را در دست دارند، به‌صورت مجموعه قوانین جنایی، تفسیر و بیان کرده‌اند» (سیگل، ۲۰۰۱: ۲۰).

در ساده‌ترین تعریف، جرم عبارت است از هر شیوه رفتاری که قانون را نقض می‌کند. ماهیت رفتاری که مجرمانه در نظر گرفته می‌شود، اهمیت نسبی جرایم مختلف، و شیوه‌های کیفر دادن فعالیت‌های مجرمانه از سوی مقامات دولتی، هر یک به گونه‌ای چشمگیر در طول دو یا سه قرن گذشته تغییر کرده است. دلایل این امر را می‌توان در جانشینی جوامع سنتی مبتنی بر اجتماعات محلی روستایی، با نظام‌های اجتماعی صنعتی، که در آن اکثر مردم در مکان‌های ناشناس در شهرهای کوچک و بزرگ زندگی می‌کنند، جست‌وجو کرد (گیدنز، ۱۳۸۱: ۱۵۳). از نظر حقوقی، هر فعل یا ترک فعلی که مطابق قانون درخور مجازات باشد، جرم محسوب

می‌شود (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲، ماده ۲). مفهوم تکرار جرم، که معادل انگلیسی آن «رسیدیویسم»^۱ و معادل عربی آن «عود» است، از ناتوانی بزهکار در کنترل امیال مجرمانه به علت عدم تأثیرگذاری و موفق نبودن مجازات نخستین و بقای علل و عوامل بزهکاری حکایت دارد. ممانعت از تکرار جرم هدفی است که در بطن نظریه بازدارندگی از اهرم بازدارندگی خاص، یعنی زندان، انتظار می‌رود، تا مجرم دیگر سراغ بزهکاری نرود (محمودی جانکی و آقایی، ۱۳۸۷: ۳۵۷).

اثربخشی

کرونباخ ارزشیابی را جمع‌آوری و کاربرد اطلاعات به منظور تصمیم‌گیری درباره یک برنامه آموزشی تعریف کرده است (ولف، ۱۳۷۱: ۸). ارزشیابی یکی از مراحل اساسی در فرایند برنامه‌ریزی است (مشاوران یونسکو، ۱۳۷۳: ۱۵۰؛ محسنی پور، ۱۳۷۶: ۶۰). در نتیجه، می‌توان گفت ارزشیابی طرح‌های اجرا شده و میزان موفقیت این طرح‌ها در سطح ملی و استانی شرط لازم برنامه‌ریزی‌های آموزشی موفق آینده است. همچنین اصطلاح اثربخشی برای بررسی میزان تحقق اهداف به کار رفته است. گفته شده که مفهوم اثربخشی، انجام دادن کار درست و مطابق با هدف است (علاقه‌بند، ۱۳۸۵: ۱۲). در نتیجه، تمرکز و تأکید اثربخشی بر نتایج کار است. اثربخشی وقتی حاصل می‌شود که سازمان به هدف‌ها یا نتایج مطلوب در طرح‌های اجرا شده برسد. هر چند تحقیقات مرتبط با بررسی اثربخشی برنامه‌های پیش‌گیری از جرم با تأخیری نسبتاً طولانی آغاز شده‌اند، می‌توانند کمک درخور توجهی به بهبود برنامه‌ریزی در این زمینه باشند (جوهانسون و همکاران، ۲۰۱۰: ۸۰). به عقیده محققان، ارزیابی اثربخشی برنامه‌های پیش‌گیری از جرم مستلزم تعامل دوجانبه با حاکمیت و دستگاه‌های اجرایی و از طرف دیگر با معیارهای علمی است و ارزیابی واقعی برنامه‌ها مستلزم هوشیاری محققان در باب رعایت معیارهای علمی و پرهیز از جانبداری و یک‌طرفه‌نگری است (الفسن، ۲۰۱۱: ۱۰۲-۱۰۵).

نقش و اهمیت آموزش در کاهش تکرار جرم

برنامه‌های پیش‌گیری از جرم متفاوت و متنوع‌اند و هزینه‌های خاص خود را دارند. با وجود این، هدف تمامی این برنامه‌ها افزایش رفاه جامعه با کاستن از میزان هزینه بزهکاری است (بابایی و انصاری، ۱۳۹۳: ۳۲). بسیاری از سازمان‌ها و مجامع بر اهمیت و ضرورت برنامه‌های آموزشی برای زندانیان تأکید کرده‌اند و این آموزش‌ها در برنامه‌های جاری زندان‌ها گنجانده شده است. پیمان اروپایی برای محافظت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، بیان می‌کند که هیچ شخصی نباید از حق آموزش محروم شود. انجمن اروپایی آموزش زندانیان می‌گوید: «آموزش زندانیان

¹ Recidivism

حقی اخلاقی است که نیازهای اساسی انسان را برآورده می‌کند». همچنین، براساس نظر شورای اروپایی آموزش در زندان، «کسانی که در زندان نگه داشته می‌شوند شهروند به حساب می‌آیند، و تمام شهروندان از حق آموزش در طول زندگی‌شان برخوردارند تا زمینه برای رشد کامل آنها تضمین شود، زندانیان باید آموزش معناداری ببینند» (کاستلو و وارنر، ۲۰۰۸).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در بسیاری از کشورهای اروپایی، زندانیان فاقد مهارت‌های اساسی حرفه‌ای و آموزشی هستند؛ برای نمونه، در ایرلند، حدود ۵۳ درصد از جمعیت زندانیان دارای پایین‌ترین سطح سواد هستند (در مقایسه با ۲۳ درصد از جمعیت کل کشور)؛ در اسلوانی، ۱۳ درصد از زندانیان جوان و بزرگسالان فاقد گواهی‌نامه آموزش مدرسه هستند و فقط ۲۷ درصد از زندانیان مدرسه ابتدایی را به اتمام رسانده‌اند. در انگلستان، برآورده شده است که حدود نیمی از زندانیان فاقد هرگونه گواهی‌نامه تحصیلی هستند، و حدود یک‌سوم آنان فاقد مهارت خواندن در حدی که از فردی ۱۱ ساله انتظار می‌رود هستند؛ در نروژ، براساس اظهارات زندانیان، حدود ۳۰ درصد در زمینه خواندن و نوشتن مشکل دارند (کاستلو و لانگلید، ۲۰۱۱: ۳۰).

آموزش، از طریق تأثیرگذاری بر مؤلفه‌های دیگر، از قبیل کسب شغل، درآمد و شبکه روابط اجتماعی نیز بر کاهش تکرار جرم تأثیرگذار است. با افزایش کسب آموزش عمدتاً درآمد افراد افزایش می‌یابد، حتی در بین کسانی که مهارت‌های شناختی نسبتاً کمی دارند، با افزایش درآمد، وقوع جرم کاهش می‌یابد (تیلور، مورنان و ویلت، ۲۰۰۰). این موضوع از طرفی براساس نظریه پیوند اجتماعی هیرشی^۱ قابل تبیین است. از دیدگاه هیرشی، شکست در برقراری و حفظ پیوند اجتماعی، زمینه ارتکاب جرم را فراهم می‌کند (ویاتروسکی و همکاران، ۱۹۸۱: ۵۲۵) از طرف دیگر، این امر می‌تواند بدین گونه توضیح داده شود که مردم در بازار کار بین شغل و ارتکاب جرم یکی را انتخاب می‌کنند. زمانی که فرد شغل با درآمدی داشته باشد یا دستیابی به شغل آسان‌تر باشد، خطر و هزینه ارتکاب جرم بالاتر می‌رود. از دیدگاه نظریه انتخاب عقلانی جرم، رفتار مجرمانه انتخابی حساب‌شده است که در چهارچوب محدودیت‌های موقعیتی، شخصی و فرصت‌های دردسترس شکل می‌گیرد (والش و همنس، ۲۰۰۸: ۸). در نتیجه، تصمیم به ارتکاب جرم برای کسانی که می‌توانند با یک شغل قانونی پول بیشتری به دست آورند انتخاب جذابی نیست. بنابراین، افزایش کسب آموزش احتمالاً افزایش درآمد را برای فرد دربردارد، و این به کاهش سطح فعالیت‌های جنایی منجر می‌شود (بازوس و هاوسمن، ۲۰۰۴: ۲). نتایج بسیاری از مطالعات نشان می‌دهد که اشتغال مهم‌ترین عاملی است که از ارتکاب مجدد جرم

¹ Social bond

جلوگیری می‌کند. براساس پژوهشی در بریتانیا، شاغل بودن خطر ارتکاب مجدد جرم را ۳۰ تا ۵۰ درصد کاهش می‌دهد (کاستلو و لانگلید، ۲۰۱۱: ۱۸).

بنابراین، آموزش از چند طریق بر کاهش جرم تأثیر می‌گذارد: ۱. آموزش موجب افزایش درآمد می‌شود، و این به افزایش هزینه جرم (یا زیان ناشی از جرم) منجر می‌شود، ۲. آموزش بر نگرش‌های روان‌شناختی به جرم تأثیر می‌گذارد، ۳. آموزش منجر می‌شود که گرایش به خطر کردن به سمت پشتکار تغییر یابد، ۴. آموزش بر شبکه روابط اجتماعی و معاشرت تأثیر می‌گذارد. به لحاظ تجربی نیز ثابت شده است که همبستگی منفی و نیرومندی بین کسب تحصیلات و انواع جرم وجود دارد (لوچنر، ۲۰۰۴). فریمن (۱۹۹۶) نشان می‌دهد که بیش از دوسوم مردان زندانی در سال ۱۹۹۳ تحصیلات زیر متوسطه داشته‌اند. نتیجه‌ای که از این تحقیقات گرفته می‌شود این است که برنامه‌های آموزشی در زندان یکی از عوامل مؤثر در دستیابی به شغل و زندگی سالم است، و درکنار دیگر عوامل، می‌تواند برای پیش‌گیری از ارتکاب مجدد جرم مطرح شود.

برنامه‌های آموزش زندان بر شبکه روابط اجتماعی و تعاملات اجتماعی زندانیان نیز تأثیر می‌گذارد و بر هم‌نوایی یا ناهم‌نوایی با هنجارهای اجتماعی نیز مؤثر است. مربیان آموزشی و تربیتی سال‌ها است با این عقیده کار می‌کنند که آموزش نه تنها به امیدواری شاگردان منجر می‌شود بلکه مسیری را نیز برای تغییر در آنها ایجاد می‌کند (استیورر و اسمیت، ۲۰۰۳). برنامه‌های آموزشی برای نوجوانان این فرصت را فراهم می‌کند که از طریق تعامل با مربیان و جداسدن از خرده‌فرهنگ جنایی، هنجارهای پذیرفته اجتماع را یاد بگیرند. نتیجه این امر، بهبود مهارت‌های اجتماعی است که می‌تواند برای نوجوانان امکان پیداکردن شغل را پس از آزادی دربرداشته باشد، که خود، احتمال ارتکاب مجدد جرم را به دست آنان کاهش می‌دهد (بازوس و هاوسمن، ۲۰۰۴: ۴).

پیشینه تجربی

مطالعات خارجی زیادی نشان داده‌اند که برنامه‌های آموزشی در زندان به‌طور معناداری موجب کاهش تکرار جرم می‌شوند. در پژوهشی که بازوس و هاوسمن (۲۰۰۴) در ایالات متحده انجام داده‌اند این نتیجه به‌دست آمده است که مشارکت‌کنندگان در برنامه‌های آموزشی و تربیتی، پس از آزادی از زندان، در مقایسه با میانگین زندانیان آزادشده، ۱۰ تا ۲۰ درصد کمتر احتمال دارد که مجدداً مرتکب جرم شوند. نتایج تحقیقات پپل (۱۹۹۵) نشان می‌دهد زندانیانی که در برنامه‌های آموزشی مشارکت کرده‌اند ۲۰ درصد کمتر از میانگین مجرمان احتمال دارد که دوباره به زندان بیفتند. براساس فراتحلیل ویلسون (۲۰۰۰) که درباره ۳۳ پژوهش تجربی و آزمایشی در ارزیابی بازگشت مجدد به زندان برحسب برنامه‌های آموزشی و حرفه‌آموزی در

آمریکا انجام گرفت، میزان بازگشت مجدد به زندان برای کسانی که تحت برنامه‌های آموزشی و اصلاحی قرار گرفتند، کمتر از کسانی بود که در این برنامه‌ها شرکت نکردند. نتایج مطالعات سسیل و همکاران (۲۰۰۰) نشان می‌دهد که انواع فعالیت‌های آموزشی، شامل برنامه‌های مشارکتی، آموزش درسی، برنامه‌های آموزش مهارت‌های زندگی و مهارت‌های شناختی، و بازگشت دوباره آنها به زندان می‌شود. استیور و اسمیت (۲۰۰۳) در تحقیقی که با مقایسه دو گروه و تجارب آنها بعد از آزادی از زندان و بررسی میزان تکرار مجدد جرم به دست آنان صورت گرفت، به این نتیجه رسیدند که کسانی که در برنامه‌های آموزشی زندان شرکت کرده بودند در مقایسه با گروه کنترل که در این برنامه‌ها شرکت نکرده بودند به طور معناداری به میزان کمتری مجدداً دستگیر شدند. اندرسون و اوری به این نتیجه رسیده‌اند که این برنامه‌ها مهارت‌های اجتماعی و فردی زندانیان را بهبود می‌بخشد، اعتماد به نفس آنان را تقویت می‌کند و آنان را به یادگیری در آینده تشویق می‌کند (اندرسون و اوری، ۲۰۱۰). به علاوه، برنامه‌های فرهنگی و هنری می‌تواند در زمینه کمک به بازپروری زندانی مؤثر باشد و به بازسازی رابطه زندانی با جامعه کمک کند (گرو، ۲۰۰۹).

آراسته و شریفی سقز (۱۳۷۸) با مطالعه‌ای که درباره نمونه‌ای از زندانیان زندان مرکزی شهر سنندج طی سال‌های ۸۲-۸۳ انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که ۵۵/۸ درصد نمونه‌ها دارای یکی از انواع اختلالات شخصیت هستند. همچنین، محققان با توجه به بیشتر بودن شخصیت ضد اجتماعی (۴۲/۳ درصد) و مرضی (۱۲/۵ درصد) در میان نمونه‌ها، پیشنهاد کرده‌اند که مطالعاتی در زمینه ارزیابی تأثیر برنامه‌های درمانی و آموزشی فردی و گروهی، در جهت کاهش جرم زندانیان دارای اختلال شخصیت بعد از خروج از زندان انجام گیرد. نتایج تحقیق آلبو کردی و همکاران (۱۳۸۹) که به روش پیمایش در بین زندانیان مرد عادل آباد شیراز انجام گرفته نشان می‌دهد که زندانیان از عزت نفس پایینی برخوردارند و در بین آنها آسیب‌های روانی مختلفی مشاهده می‌شود و خدمات مشاوره و روان‌درمانی از طریق افزایش سطح عزت نفس آنها می‌تواند تا حد زیادی به اصلاح رفتار و کاهش میزان بازگشت به زندان کمک کند. نتیجه تحقیق لیاقت (۱۳۸۱) نشان می‌دهد که ارائه خدمات مشاوره‌ای در تغییر نظام ارزشی دختران بزهکار (سارق، معتاد و منحرفان جنسی) مستقر در بازداشتگاه اصفهان تأثیر داشته است. نتایج تحقیق خدایاری فرد و همکاران (۱۳۸۷) که با هدف مقایسه میزان اثربخشی مداخله شناختی- رفتاری فردی و گروهی در کاهش نشانگان روان‌شناختی زندانیان انجام گرفته، نشان می‌دهد که هر دو رویکرد «درمان هم‌زمان» و «درمان فردی» بر کاهش نشانگان روان‌شناختی زندانیان مرد تأثیر دارد. نتایج پیگیری ۵ تا ۸ ماه پس از خاتمه درمان

حاکمی از پایداری آثار مداخلات صورت گرفته درباره زندانیان هردو گروه بود؛ به طوری که طی این مدت هیچ یک از آنها به دلیل انجام مجدد جرم به زندان بازنگشتند.

نتایج تحقیق اسداللهی و همکاران (۱۳۸۴) که با روش پیمایش، زندانیان آزادشده‌ای را تحت مطالعه قرار داده است که از خدمات و تسهیلات مرکز مراقبت بعد از خروج زندان‌های استان خوزستان استفاده کرده‌اند، نشان داده است که با گسترش و تثبیت شاخص‌های سواد و آموزش‌های رسمی در زندانیان زن، گستره اشتغال‌زایی بین آنها بالاتر می‌رود. طبق یافته‌های ایشان، با گسترش و اشاعه مؤلفه‌های سواد رسمی، بازگشت به جرم و تکرار بزه در بین زنان زندانی کاهش یافت. کفاشی و اسلامی (۱۳۸۸) که با روش پیمایش، نمونه‌ای از زندانیان زندان‌های خراسان شمالی را مطالعه کرده‌اند به این نتایج دست یافته‌اند: (۱) بین جرم اول با تکرار جرایم بعدی رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی در زندان، فرد در اثر یادگیری و آشنایی با جرایم، برای ارتکاب جرم باتجربه‌تر می‌شود. (۲) بین عوامل محیطی زندان (وضعیت طبقه‌بندی زندانیان، محل اسکان و نگهداری زندانیان و نوع امکانات رفاهی و خدماتی زندان)، با تکرار جرم و بازگشت مجدد همبستگی وجود دارد. یعنی وضعیت طبقه‌بندی نامناسب زندانیان، وضعیت نامناسب اسکان، وضعیت نامناسب امکانات و خدمات رفاهی زندان در یادگیری و آشنایی با جرایم جدید و گرایش زندانیان به تکرار جرم تأثیرگذار است. همبستگی متغیرها معکوس است. باتوجه به اینکه پیشنهاد بررسی اثربخشی برنامه‌ها در کاهش تکرار جرم در پژوهش‌های گذشته ارائه شده و با نظر به این نکته که اکثر پژوهش‌های داخلی انجام گرفته در این زمینه براساس دیدگاهی بیشتر روان‌شناختی مسئله را بررسی کرده‌اند و علاوه بر آن، از روش‌هایی غیر از روش آزمایشی استفاده کرده‌اند، پژوهش حاضر در نظر دارد این فرضیه را تحت آزمون قرار دهد: «میزان گرایش به تکرار جرم در میان زندانیان مشارکت‌کننده در برنامه و زندانیانی که در برنامه مشارکت نمی‌کنند متفاوت است».

روش تحقیق

جامعه آماری تحقیق حاضر را زندانیان زندان مرکزی سنندج تشکیل داده‌اند. برای پاسخگویی به سؤال اول تحقیق از روش شبه‌آزمایشی استفاده شده است؛ بدین صورت که دو نمونه آزمایش و کنترل از زندانیان انتخاب و برنامه برای گروه آزمایش اجرا می‌شود. برای هر گروه ۱۰۰ نفر از زندانیان به صورت تصادفی نظام‌مند انتخاب شدند. بدین منظور، فهرست زندانیان براساس نام خانوادگی آنها مرتب شد و جمعاً ۲۰۰ نفر از آنها با روش تصادفی نظام‌مند انتخاب شدند؛ سپس، این افراد به صورت تصادفی به دو گروه ۱۰۰ نفری تقسیم شدند. برنامه آموزشی پیش‌گیری از جرم در طی دو ماه برای افراد گروه آزمایش به اجرا درآمد. این برنامه شامل آموزش زندانیان در سه حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، آموزش و ارتقای مهارت‌های اساسی زندگی و آموزش‌های

هنری اجرا شد. زندانیان گروه آزمایش هر هفته به مدت ۴ ساعت در هر کدام از حوزه‌ها آموزش دیدند (جمعاً در هر هفته ۱۲ ساعت و به صورت کلی ۴۸ ساعت در طی دو ماه) و نهایتاً پرسش‌نامه گرایش به تکرار جرم در میان هر دو گروه تکمیل و نتایج با هم مقایسه شد. در این پرسش‌نامه، میزان گرایش به جرم با استفاده از شش گویه سنجیده شد که در پیوست ۱ ارائه شده است. ضریب پایایی این سنجه براساس آزمون آلفای کرونباخ مقدار ۰/۷۶۲ است که ضریبی بالا و تأییدکننده پایایی مقیاس است. همچنین برای سنجش روایی این سنجه، از روایی سازه استفاده شد که از طریق ضریب کرویت بارتلت تحت بررسی قرار گرفت که مقدار آن برابر ۲۴۳۷ بود و با احتمال خطای کمتر از ۱ درصد معنی‌دار است.

یافته‌ها

در این قسمت، مهم‌ترین یافته‌های تحقیق ارائه می‌شوند، ابتدا، یافته‌های توصیفی مرتبط با ویژگی‌های زمینه‌ای گروه آزمایش و گروه کنترل، سپس یافته‌های توصیفی مرتبط با تعداد سابقه حبس زندانیان ارائه شده است. در ادامه، جهت اطمینان از اینکه که انتخاب گروه کنترل و گروه آزمایش دارای هیچ‌گونه ارببی نبوده، آزمون معناداری تفاوت میانگین برخی از متغیرهای مهم مرتبط با مسئله پژوهش میان دو گروه آزمایش و کنترل اجرا شده است که نتایج آن ارائه می‌شود. نهایتاً، جهت آزمون فرضیه پژوهش، آزمون معنی‌داری تفاوت میانگین دو گروه در نمره گرایش به جرم اجرا شده که نتایج آن ارائه می‌شود.

۱) ویژگی‌های زمینه‌ای

تمامی پاسخگویان مرد هستند. میانگین سن گروه آزمایش ۳۴ سال با انحراف معیار ۸ سال، بیشترین سن ۶۰ و کمترین سن ۲۰ سال است. میانگین سن گروه کنترل ۳۴ با انحراف معیار ۹ سال، بیشترین سن ۶۰ و کمترین سن ۱۸ سال است. در گروه آزمایش ۶ درصد از پاسخگویان بی‌سواد بوده‌اند، ۱۴ درصد دارای سطح تحصیلات ابتدایی، ۴۳ درصد سیکل، ۲۸ درصد دیپلم، ۲ درصد فوق دیپلم و ۷ درصد لیسانس بوده‌اند. در گروه کنترل ۵ درصد از پاسخگویان بی‌سواد بودند، ۲۰ درصد دارای سطح تحصیلات ابتدایی، ۴۶ درصد سیکل، ۲۳ درصد دیپلم، ۱ درصد فوق دیپلم، و ۶ درصد لیسانس بوده‌اند. در گروه آزمایش ۳۴ درصد از پاسخگویان مجرد و ۴۴ درصد متأهل هستند، ۲۰ درصد آنان از همسرشان جدا شده‌اند و ۲ درصد همسرشان فوت کرده است. در گروه کنترل ۴۲ درصد از پاسخگویان مجرد و ۴۵ درصد متأهل هستند و ۱۳ درصد آنان از همسرشان جدا شده‌اند.

جدول ۱. مقایسه ویژگی‌های زمینه‌ای گروه آزمایش و گروه کنترل

اطلاعات زمینه‌ای		گروه آزمایش	گروه کنترل
میانگین سن (سال)		۳۴	۳۴
سطح تحصیلات (درصد)	بی‌سواد	۶	۵
	ابتدایی	۱۴	۲۰
	سیکل	۴۳	۴۶
	دیپلم	۲۸	۲۳
	فوق دیپلم	۲	۱
وضعیت تأهل	لیسانس	۷	۶
	مجرد	۳۴	۴۲
	متأهل	۴۴	۴۵
	جدا شده	۲۰	۱۳
	فوت همسر	۲	۰

۲) سابقه زندان

الف) سابقه گروه آزمایش

در گروه آزمایش، نمره میانگین دفعات زندانی شدن ۲/۴۹ و نمای آن ۱ است. ۴۰ درصد از پاسخگویان بار اول است که زندانی شده‌اند، ۱۹ درصد بار دوم، ۱۲ درصد بار سوم، ۱۰ درصد بار چهارم و ۱۹ درصد بار پنجم و بیشتر است که به زندانی افتاده‌اند. در گروه کنترل، نمره میانگین دفعات زندانی شدن ۲/۲۸ و نمای آن ۱ است. ۴۳ درصد از پاسخگویان بار اول، ۲۱ درصد بار دوم، ۱۳ درصد بار سوم، ۱۱ درصد بار چهارم و ۱۲ درصد بار پنجم و بیشتر است که زندانی شده‌اند. این اطلاعات در جدول ۲ آمده است. همان‌گونه که مشخص است، اکثر زندانیان (حدود ۶۰ درصد) هر دو گروه سابقه دارند. همچنین، آشکار است که افراد گروه آزمایش و کنترل از لحاظ سابقه، مشابه هم هستند و اختلاف چندانی ندارند.

جدول ۲. مقایسه سابقه زندان گروه آزمایش و گروه کنترل

سابقه	فراوانی گروه آزمایش	فراوانی گروه کنترل
بار اول	۴۰	۴۳
بار دوم	۱۹	۲۱
بار سوم	۱۲	۱۳
بار چهارم	۱۰	۱۱
بار پنجم و بیشتر	۱۹	۱۲
جمع	۱۰۰	۱۰۰

۳) آزمون تفاوت میانگین متغیرهای مهم در دو گروه

براساس نتایج آزمون تفاوت میانگین تی، در هیچ‌کدام از متغیرهای سابقه زندان، مدت محکومیت، مدت سپری شده از محکومیت، و درآمد ماهیانه خانواده میان دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. این نکته می‌تواند دلیل دیگری دال بر اریب‌نداشتن نحوه

بررسی اثربخشی برنامه زندان مرکزی سنندج در کاهش گرایش زندانیان به تکرار جرم

انتخاب افراد گروه آزمایش و گروه کنترل باشد؛ به عبارت دیگر، نداشتن تفاوت معنی‌دار در سابقه زندان، مدت محکومیت، مدت سپری‌شده از محکومیت و سطح درآمد خانوادگی زندانیان، نشان‌دهنده انتخاب واقعاً تصادفی افراد گروه آزمایش و کنترل است.

جدول ۳. نتایج آزمون تفاوت میانگین متغیرهای مهم در دو گروه

متغیر	نمره تی	معنی‌داری
سابقه زندان	-۰/۹۹۷	۰/۳۲۰
مدت محکومیت	-۰/۶۲۳	۰/۵۳۴
مدت سپری‌شده از محکومیت	-۰/۷۰۳	۰/۴۸۳
درآمد	۰/۱۵۳	۰/۸۷۹

۴) آزمون فرضیه تحقیق

اطلاعات جدول ۴ نشان می‌دهد که در هر دو گروه، بیشتر زندانیان در طبقه گرایش کم به تکرار جرم قرار می‌گیرند؛ البته، این عدد در گروه کنترل ۷۳ درصد و در گروه آزمایش ۸۷ نفر است. همچنین، در گروه آزمایش تنها دو نفر دارای گرایش زیاد به تکرار جرم هستند درحالی‌که در گروه کنترل ۱۵ نفر گرایش زیادی به تکرار جرم دارند. با توجه به اینکه تعداد افراد هر کدام از گروه‌ها ۱۰۰ نفر است، اعداد جداول هم نشان‌دهنده تعداد و هم نشان‌دهنده درصد هستند.

جدول ۴. طبقه‌بندی و مقایسه نمره گرایش به تکرار جرم در دو گروه

گرایش به تکرار جرم	گروه آزمایش	گروه کنترل
کم	۸۷	۷۳
متوسط	۱۱	۱۲
زیاد	۲	۱۵

برای آزمون فرضیه پژوهش، معنی‌داری تفاوت میانگین دو گروه از لحاظ نمره گرایش به تکرار جرم تحت بررسی قرار می‌گیرد. همان‌گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود. براساس نتایج آزمون تی نمونه‌های مستقل، معنی‌داری تفاوت میانگین نمره گرایش به تکرار جرم در دو گروه آزمایش و کنترل تأیید می‌شود؛ بر اساس نتیجه این آزمون، نمره تی مساوی با ۴/۵۲۵- است و با احتمال خطای کمتر از ۱ درصد معنی‌دار است.

جدول ۵. نتیجه آزمون تفاوت میانگین گرایش به تکرار جرم در دو گروه آزمایش و کنترل

متغیر	نمره تی	معنی‌داری	میانگین گروه آزمایش	میانگین گروه کنترل
گرایش به تکرار جرم	-۴/۵۲۵	۰/۰۰۰	۱/۳۷	۱/۸۷

نتیجه‌گیری

پیش‌گیری از وقوع جرم به معنی پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از بین بردن یا کاهش آن است. یکی از شیوه‌های پیش‌گیری از جرم،

پیش‌گیری از تکرار جرم به‌دست مجرمان و محکومان است که به‌وسیله انجام برنامه‌های مختلف در زندان‌های کشور انجام می‌گیرد.

تکرار جرم حالت کسی است که پس از محکومیت قطعی در دادگاه صالح، مرتکب جرم دیگری شود (گارو، ۱۳۴۸: ۳۸۰). بنابر ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)، تکرار جرم می‌تواند موجب تشدید مجازات شود. این حالت، علاوه بر آنکه نشانه ناتوانی و قصور بزه‌کار جهت بازاجتماعی‌شدن و انطباق با حیات عاری از جرم است، مبتن کاستی و ناتوانی نهادهای مجری عدالت کیفری جهت بازسازگاری و بازپروری و همچنین پیش‌گیری از جرم نیز هست. از آنجایی که زندان مرکزی سنندج از جمله زندان‌هایی است که برنامه‌های پیش‌گیری از گرایش به تکرار جرم را به‌صورت گسترده اجرایی کرده است، این پژوهش در پی پاسخ‌گفتن به این سؤال است که آیا برنامه‌های مرتبط با پیش‌گیری از تکرار جرم که در زندان مرکزی سنندج اجرا می‌شود اثربخش است؟ به عبارت دیگر، آیا برنامه‌های پیش‌گیری از جرم زندان مرکزی سنندج باعث کاهش گرایش به تکرار جرم در میان زندانیان می‌شود؟ برای پاسخ به این سؤال، دو گروه ۱۰۰ نفری آزمایش و کنترل (جمعاً ۲۰۰ نفر) از زندانیان زندان مرکزی سنندج به‌روش تصادفی نظام‌مند انتخاب شدند. برنامه آموزشی پیش‌گیری از جرم در طی ۲ ماه برای افراد گروه آزمایش به اجرا درآمد و نهایتاً پرسش‌نامه گرایش به تکرار جرم در میان هردو گروه تکمیل و نتایج با هم مقایسه شد.

براساس نتایج آزمون تفاوت میانگین تی، در هیچ‌کدام از متغیرهای سابقه زندان، مدت محکومیت، مدت سپری‌شده از محکومیت، و درآمد ماهیانه خانواده، میان دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. این نشان‌دهنده انتخاب واقعاً تصادفی افراد گروه آزمایش و کنترل است و مؤید اعتبار پژوهش نیز هست.

نهایتاً براساس نتیجه آزمون تفاوت میانگین گرایش به تکرار جرم در دو گروه آزمایش و کنترل، که با احتمال خطای کمتر از ۱ درصد معنی‌دار است، فرضیه پژوهش تأیید می‌شود. به عبارت دیگر، اکنون می‌توان به سؤال پژوهش بازگشت و اظهار کرد از آنجایی که تفاوت معنی‌داری میان دو گروه آزمایش و کنترل از لحاظ گرایش به تکرار جرم وجود دارد و با توجه به اینکه هدف از اجرای برنامه‌ها، کاهش گرایش به تکرار جرم بوده است، می‌توان گفت اجرای برنامه آموزشی در زندان مرکزی سنندج اثربخش بوده و سبب کاهش گرایش به تکرار جرم در میان زندانیان شده است. این یافته با نتایج پژوهش‌های بازوس و هاوسمن (۲۰۰۴)، استیور و اسمیت (۲۰۰۳) و خدایاری‌فرد و همکاران (۱۳۸۷) هم‌خوانی دارد.

این پژوهش اذعان دارد که نمی‌توان به راحتی اثربخشی برنامه آموزشی اجراشده در زندان مرکزی سنندج را به دیگر برنامه‌های آموزشی و دیگر زندان‌های سطح کشور تعمیم داد، اما

دست کم می‌توان اطمینان داشت که آموزش می‌تواند بر کاهش گرایش به جرم تأثیرگذار باشد. از طرف دیگر، می‌توان به این نکته با امیدواری بیشتری نگریست که توجه ویژه به نفس مسئله گرایش به ارتکاب مجدد جرم می‌تواند زمینه‌ساز کاهش گرایش به تکرار جرم و پیش‌گیری از آن شود. البته، با توجه به این مسئله که برگزاری کلاس‌های آموزشی به‌نوعی نشان‌دهنده احترام به رفتار مثبت و توجه به زندانیان بوده است، نباید در تحلیل کلی این مسئله، این احتمال را نیز نادیده انگاشت که امکان دارد صرف توجه به زندانیان گروه آزمایش، سبب انگیزه بیشتر آنها به اصلاح نگرش و رفتار شده باشد. این مسئله از دیدگاه نظریه پیوند اجتماعی هیرشی نیز قابل تبیین است، احتمال دارد که صرف مشارکت در گروه و جلسات منظم آموزشی سبب افزایش پیوندها و علقه‌های اجتماعی زندانیان شده باشد و با رشد مهارت‌ها و وابستگی‌های اجتماعی آنان زمینه ارتکاب جرمشان کمتر شده باشد. مناسب است این مسئله در تحقیقات بعدی مورد توجه قرار گیرد و تأثیر صرف برگزاری کلاس‌ها و محتوای آموزشی تدریس‌شده بر کاهش گرایش زندانیان به تکرار جرم به‌صورت تفکیک‌شده مورد توجه قرار گیرد.

باتوجه به این مطالب، شاید بیشتر از هر نظریه جامعه‌شناسی جرم، نظریه برچسب‌زنی به مسئله زندان ارتباط داشته باشد. تأکید اساسی این نظریه بر قدرت برچسب‌زنی و شکل‌گیری هویت کج‌روانه تحت تأثیر این برچسب است. بکر معتقد است: گروه‌های اجتماعی انحراف را به‌وسیله قواعدی به‌وجود می‌آورند که نقض آنها انحراف ایجاد میکند، انحرافی که با کاربرد این قواعد برای افراد خاص و برچسب‌زنی به آنها به‌عنوان افراد بیگانه اتفاق می‌افتد. انحراف کیفیت عمل فرد مرتکب (خلاف) نیست، بلکه نسبتاً نتیجه کاربرد قواعد و مجازات‌ها برای مجرم است. کج‌رو کسی است که این برچسب به‌طور موفقیت‌آمیزی در مورد او به کار رفته است. کج‌رفتاری به رفتاری گفته می‌شود که دیگران بر آن برچسب می‌زنند (بکر، ۱۹۶۳: ۹). لمرت در بحث برچسب‌زنی انحراف اولیه را از انحراف ثانویه تفکیک می‌کند. در انحراف اولیه فرد به یک شخص منحرف تبدیل نمی‌شود بلکه در انحراف ثانویه است که در نتیجه برچسب‌زنی، هویت کج‌روی تثبیت شده و فرد عملاً کج‌روی را شیوه زندگی خود می‌کند. فرد، در وضعیت انحراف اولیه به حرفه و منش کج‌روانه هیچ تعهدی ندارد، ولی در انحراف ثانویه، برچسب‌خورده‌گان رفتارشان را براساس واکنش‌های جامعه سازمان می‌دهند و براساس آن برچسب به جامعه پاسخ می‌دهند (لمرت، ۱۹۵۱: ۷۶).

اگر قرار باشد از این دیدگاه به موضوع بنگریم، می‌توان گفت براساس این نظریه، زندان برچسب رسمی بزرگ و مهمی است که به فرد مجرم زده می‌شود و جرم و بزهکاری را در وجود او نهادینه می‌کند. با توجه ویژه به کاهش گرایش به تکرار جرم در فرد مجرم، با وجود اینکه زندان نقش یک برچسبی مهم را ایفا می‌کند، برنامه‌های آموزشی مورد بحث، سعی بر نوعی

برچسب‌زدایی از هویت مجرمان دارند و بدین ترتیب، دست‌کم تأثیر مخرب خود زندان را به منزله برچسب کاهش می‌دهند. در هر حال، با توجه به نتایج تحقیق به نظر می‌رسد برگزاری کلاس‌های آموزشی برای زندانیان اقدامی مثبت و انگیزه‌بخش است و علاوه بر این، می‌تواند سبب ارتقای توانایی‌های فنی و حرفه‌ای و مهارت‌های روان‌شناختی زندگی زندانیان شود. مسئله‌ای که می‌تواند در جذب دوباره زندانیان در جامعه و برگشت به روال عادی زندگی به آنها کمک کند. این پژوهش به علت برخی محدودیت‌ها قادر به پیگیری زندانیان پس از آزادی نبوده است. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده اثربخشی برنامه‌های آموزشی را با پیگیری رفتار زندانیان آزادشده بررسی کنند. همچنین، پیشنهاد می‌شود تحقیقات بعدی به صورت آزمایشی کامل و با استفاده از پیش‌آزمون و پس‌آزمون به بررسی مسئله بپردازند. نهایتاً، تمایز تأثیر صرف برگزاری دوره‌های آموزشی خنثی، با دوره‌های آموزشی هدفمند و طراحی‌شده جهت بررسی دقیق‌تر محتوای آموزش‌های ارائه‌شده، توصیه می‌شود.

منابع

- آراسته، مدبر و بیان شریفی‌سقر (۱۳۸۷) «میزان شیوع اختلافات روانی»، *مجله اصول بهداشت روانی، سال دهم، شماره ۴ (۴۰): ۳۱۱-۳۱۶*.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۹) *حقوق و جزای عمومی*، تهران: میزان.
- اسداللهی، عبدالرحیم، علیرضا محسنی تبریزی و محمود براتوند (۱۳۸۸) «نقش مرکز مراقبت بعد از خروج در اشتغال‌زدایی زنان زندانی خوزستان»، *فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۴: ۳۴۹-۳۵۵*.
- آشوری، محمد (۱۳۸۲) *جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین*، تهران: گرایش.
- آلبوکردی، سجاد و همکاران (۱۳۸۹) «رابطه بین عزت نفس و حمایت اجتماعی با افسردگی در زندانیان مرد»، *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، دوره بیستم، شماره ۷۷: ۶۲-۶۸*.
- بابایی، محمدعلی و اسماعیل انصاری (۱۳۹۳) «تحلیل اقتصادی پیش‌گیری از جرم»، *مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ششم، شماره ۱: ۳۱-۶۰*.
- بهروان، حسین و ندا بهروان (۱۳۹۰) «تبیین جامعه‌شناختی بازگشت به زندان با استفاده از نظریه برچسب»، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال نهم، شماره ۱: ۳۳-۶۱*.
- جعفری، محمدحسن و لیلا نیکپور (۱۳۸۶) «بررسی تأثیر مجازات زندان بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده‌های زندانیان زندان‌های شیراز»، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، جلد بیست و پنجم، شماره ۴: ۶۳-۷۸*.

بررسی اثربخشی برنامه زندان مرکزی سندج در کاهش گرایش زندانیان به تکرار جرم

- حاتمی‌خواجه، نادر (۱۳۸۶) «جامعه‌پذیری زندانیان»، در: مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی کاهش استفاده از مجازات زندان، تهران: راه تربیت.
- خبرگزاری جوان (۱۳۹۴) «علت نرخ ۴۶ درصدی بازگشت مجدد به زندان چیست؟/جامعه زندان به سمت جوان شدن پیش می‌رود»، کد خبر: ۵۴۲۶۱۳۳، ۱۳۹۴/۴/۲۴.
- خدایاری‌فرد، محمد و همکاران (۱۳۸۷) «اثربخشی مداخلات شناختی- رفتاری بر سلامت روان شناختی زندانیان»، مجله علوم رفتاری، دوره دوم، شماره ۴: ۲۸۳-۲۹۰.
- زینالی، حمزه (۱۳۸۱) «پیش‌گیری از بزهکاری و مدیریت آن در پرتو قوانین و مقررات جاری ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۶: ۷۶-۸۳.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۰) آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، تهران: آوای نور.
- شاملو، باقر و مهدی موسی‌زاده (۱۳۸۹) «پیش‌گیری از تکرار جرم در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده امریکا»، فصلنامه پیش‌گیری از جرم، دوره پنجم، شماره ۱۷: ۷-۲۸.
- صدیق‌اورعی، غلامرضا (۱۳۷۴) جرم و زندان، مشهد: جهاد دانشگاهی دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- صفاری، علی (۱۳۸۶) «بررسی لایحه پیش‌گیری از جرم»، فصلنامه مطالعات پیش‌گیری از جرم، سال دوم، شماره ۴: ۲۱۱-۲۵۱.
- عبدی، عباس (۱۳۷۷) آسیب‌شناسی اجتماعی، تأثیر زندان بر زندانی، تهران: مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور.
- علاقه‌بند، علی (۱۳۸۵) مقدمات مدیریت آموزشی، تهران: روان.
- قاسمی‌مقدم، حسن (۱۳۸۷) «مبانی ارزیابی اثربخشی کیفرهای اجتماع‌محور و تحلیل یافته‌های آن با تأکید بر مطالعه موردی دوره مراقبت در ایالات متحد امریکا و انگلستان»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۲، شماره ۶۴: ۱۳۱-۱۶۲.
- قلخان‌باز، احمد و همکاران (۱۳۹۲) «عوامل مرتبط با تکرار زندانی‌شدن در بین زندانیان شهر تویسرکان در سال ۱۳۹۱»، مجله علمی پزشکی قانونی، دوره ۱۹، شماره ۴ و ۱: ۱۸۵-۱۹۲.
- کریمی، حمزه و همکاران (۱۳۹۲) «مقایسه اثربخشی آموزش گروهی مدیریت خشم و مهارت‌های ارتباطی بر میزان پرخاشگری معتادان به حشیش زندان همدان»، تحقیقات علوم رفتاری، دوره یازدهم، شماره ۲: ۱۲۹-۱۳۸.
- کفاشی، مجید و عنایت اسلامی (۱۳۸۸) «بررسی عوامل مؤثر بر تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان در استان خراسان شمالی»، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال دوم، شماره ۴: ۵۷-۶۹.

گازو، رنه (۱۳۴۸) *مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا*، ترجمه سید ضیاءالدین نقابت، ج ۳، تهران: بنگاه مطبوعاتی.

گسن، ریموند (۱۳۷۰) *جرم‌شناسی کاربردی*، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران: مجد.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱) *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صوری، تهران: نی.

لیاقت، ریتا (۱۳۸۱) «بررسی تأثیر ارائه خدمات مشاوره‌ای در تغییر نظام‌های ارزشی زنان مجرم»، *مجله روان‌شناسی*، سال ششم، شماره ۲: ۱۴۹-۱۶۳.

مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۲) *قانون مجازات اسلامی*.

مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۹۴) *قانون پیش‌گیری از جرم*، مصوب ۱۳۹۴/۶/۲۱.

محسنی‌پور، بهرام (۱۳۷۶) *برنامه‌ریزی آموزشی*، تهران: مدرسه.

محمدنسل، غلامرضا (۱۳۸۹) «فرایند پیش‌گیری از جرم»، *فصلنامه حقوق*، دوره ۴۰، شماره ۱: ۳۱۷-۳۳۴.

محمودی‌جانکی، فیروز و سارا آقایی (۱۳۸۷) «بررسی نظریه بازدارندگی مجازات»، *فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)*، دوره ۳۸، شماره ۲: ۳۳۹-۳۶۱.

مشاوران یونسکو (۱۳۷۳) *فرآیند برنامه‌ریزی آموزشی*، ترجمه فریده مشایخ، تهران: مدرسه. معاونت اجتماعی و پیش‌گیری از وقوع جرم قوه قضائیه (۱۳۹۴) وبسایت الکترونیکی به نشانی: scpd.ir، نقشه ادارات کل، ۱۳۹۴/۲/۲۳.

معظمی، شهلا، مهسا شیروی و معصومه صالحی (۱۳۹۴) «تأثیر زندان بر تکرار جرم زنان»، *دانشنامه حقوق و سیاست*، شماره ۲۳: ۳۹-۵۸.

نجفی‌توانا، علی، شاطری‌پور اصفهانی، شهید (۱۳۹۱) «پیش‌گیری اجتماعی از جرم در پرتو تحولات ناشی از جهانی شدن فرهنگ»، *مجله آموزه‌های حقوق کیفری*، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۴: ۸۴-۵۵.

نجفی‌ابرناد، علی حسین (۱۳۷۰) *تقریرات درس جرم‌شناسی*، دانشکده حقوق، دانشگاه شیراز، پایگاه نشر مقالات حقوقی حق گستر، www.HaghGostar.ir.

نجفی‌ابرناد، علی حسین (۱۳۷۸) «پیش‌گیری از بزهکاری و پلیس محلی»، امنیت، دوره دوم، شماره ۷: ۱۲۹-۱۵۰.

ولف، ریچارد (۱۳۷۱) *ارزشیابی آموزشی*، ترجمه علیرضا کیامنش، تهران: مرکز نشر دانشگاهی. Anderson, K. & Overy, K. (2010) "Engaging Scottish Young Offenders in Education through Music and Art", *International Journal of Community Music*, 3(1): 47-64.

- Bazos, A. & Hausman, J (2004) *Correctional Education as a Crime Control Program*, UCLA School of Public Policy and Social Research, Department of Policy Studies, March.
- Becker, Howard (1963) *Outsiders: Studies in the Sociology of Deviance*, New York: Free Press.
- Cecil, D., Derapkin, D. MakCkenzie, D. & Hickman, L. (2000) "The Effectiveness of Adult Basic Education and Life-Skills Programs in Reducing Recidivism: a Review and Assessment of the Research", *Journal of Correctional Education*, 51 (2): 207-226.
- Costelloe, A. & Langelid, T. (2011) *Prison Education and Training in Europe: a Review and Commentary of Existing Literature, Analysis and Evaluation*, Directorate General for Education and Culture, European Commission, 6 May.
- Costelloe, A. & Warner, K. (2008) "Beyond Offending Behaviour: the Wider Perspectives of Adult Education and the European Prison Rules", in Wright, R. (Eds.) in *Borderlands, Learning to Teach in Prisons and Alternative Settings*, 3rd Edition, San Bernardino: California State University.
- Ellefsen, Birgitte (2011) "Evaluating Crime Prevention Scientific Rationality or Governmentality?", *Journal of Scandinavian Studies in Criminology and Crime Prevention*, 12: 103-127.
- Ellis, Albert (1971) *Reason and Emotion in Psychotherapy*, Secaucus, NJ: Lyle Stuart, Inc.
- Freeman, R. (1996) "Why do So Many Young American Men Commit Crimes and What Might We do about it?" *Journal of Economic Perspectives*, 10: 25-42.
- Grove, S (2009) *Criminal Culture, Beyond the Bars*, Newsweek, 7 September 2009.
- Johannesen A., Tufte P. A., Christoffersen L. (2010) *Introduction to Social Scientific Methodology*, Oslo: Abstrakt forlag.
- Lemert, Edwin (1951) *Social Pathology*, New York, MC Graw-hill.
- Lochner, L., & Moretti, E. (2004) "The Effect of Education on Crime: Evidence from Prison Inmates", Arrests, and Self-Reports, *American Economic Review*, 94: 155-89.
- Piehl, A. M. (1995) *Learning While Doing Time*, Cambridge, Ma: John F. Kennedy School of Government, Harvard University.
- Sadok, B. G. and Sadok V. A. (2000) *Comprehensive Textbook of Psychiatry, Seventh Edition*, Lippincot Williams and Wilkins, USA.
- Siegel, Larry J., (2001). *Criminology Theories, Patterns and Typologies*. Wadsworth, a Division of Thomson Learning, Inc. Web: [Http://Www.Thomsonrights.Com](http://Www.Thomsonrights.Com).

- Steurer, S. J., & Smith, L. G (2003) "Education Reduces Crime", *Three State Recidivism Studies*, and Executive Summary, Published Through a Partnership between Correctional Education Association (Cea) and Management & Training Corporation Institute (MTCI).
- Tyler, J, Murnane, R. & Willet, J (2000) *Cognitive Skills Matter in the Labor Market, Even for School Dropouts*, National Center for the Study of Adult Learning and Literacy, Harvard Graduate School of Education, Retrieved, From: [Http://Wwww.se.harvard.edu/~Ncsall/Research/Report15.Pdf](http://Wwww.se.harvard.edu/~Ncsall/Research/Report15.Pdf).
- Walsh, A., & Hemmens, C. (2008) *Introduction to Criminology: a Text Reader*. USA: Sage Publications.
- Wiatrowski, Michael D., David B. Griswold and Mary K. Roberts (1981) "Social Control Theory and Delinquency", *American Sociological Review*, 46 (5) 525-541.
- Wilson D., Gallagher, C., & Mackenzie, D. (2000) "A Meta-Analysis of Correction-Based Education, Vocation, and Work Programs for Adult Offenders", *Journal of Research on Crime and Delinquency*, 37 (4): 347-368.

بیوست ۱

سنجه گرايش به تکرار جرم

کاملا موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	کاملا مخالفم
				گر از زندان آزاد شوم دیگر مرتکب خلاف نخواهم شد و به دنبال یک زندگی شرافتمندانه خواهم رفت
				من دلم می‌خواهد دنبال یک زندگی شرافتمندانه بروم اما جیورم دوباره سراغ جرم و خلاف بروم
				می‌دانم ناچار خواهم بود دوباره خلاف کنم
				در زندان روشهای جدیدی برای خلاف یاد گرفته ام که بعد از آزادی آنها را اجرا خواهم کرد.
				ضمیم دارم دیگر هرگز مرتکب جرم نگردم
				نباید لازم شود خلاف کوچکی انجام دهم